

دانشگاهی که ورود با چادر را ممنوع کرد

۲ مهر ۱۳۹۳ ساعت ۱۰:۵۴

اول مهر ماه ۱۳۴۸، همزمان با بازگشایی مدارس و دانشگاه‌ها در سراسر کشور، دانشجویان دانشگاه شیراز با بخشنامه‌ای مواجه شدند که پوشیدن چادر را برای دختران ممنوع می‌کرد. در سال ۱۳۵۲ نیز وزیر آموزش و پرورش در برابر پوشیدن چادر از سوی دختران دبیرستانی ایستاد. همچنین نمونه‌های فراوان مشابهی از اینگونه حرکت‌ها می‌توان در دوره پهلوی دوم یافت.

محمد رضا شاه نتوانست و یا شاید نخواست سیاست‌های پدرش رضاشاه را درباره منع حجاب و چادر پی بگیرد، اما با روشی متفاوت به دنبال حذف چادر و پوشش اسلامی از جامعه بود. رضاشاه گرچه توانسته بود با سیاست‌های ظالمانه و به زور سرنیزه، حجاب بخشی از زنان جامعه را بردارد و زنان بسیاری را ناچار به ماندن در خانه‌ها کند، اما برکناری و تبعید او به جزیره موریس، بخش مهمی از کوشش‌های ۱۵ ساله او را بر باد داد.

مخالفان منع حجاب در دوره رضاشاه به سختی زیر فشار و تهدید بودند و چاره‌ای جز سکوت نداشتند. اعتراضاتی همچون قیام مسجد گوهرشاد هم با تهاجم وحشیانه مزدوران روبرو شد و بسیاری از مردم مسلمان در کنار حرم امام رضا علیه‌السلام به خاک و خون کشیده شدند. با این حال پایان دوران رضاخان دوباره مخالفان منع حجاب را به جنب و جوش انداخت و نامه‌نگاری به شاه جوان و ضعیف آغاز شد.

نامه‌هایی برای پایان قانون ضد حجاب

مهرماه ۱۳۲۰ آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی در نامه‌ای شدیدالحن به نخست‌وزیر وقت خواستار کم کردن فشار بر زنان محجبه شد. آیت‌الله سید حسین طباطبایی بروجردی از مراجع وقت نیز در سال ۱۳۲۳ نامه‌ای به شاه نوشت و از او خواست قانون منع اجباری حجاب را لغو کند.

زنان چادری دوباره به خیابان‌ها بازگشتند و دوران سیاه استفاده از قوه قهریه برای مبارزه با حجاب اسلامی به پایان رسید. دورانی که بر اساس منابع تاریخی، زنان باحجاب را به اتوبوس‌ها راه نمی‌دادند، پاسبان‌ها با بی‌رحمی تمام زنان چادری را کتک می‌زدند و به آنها اهانت می‌کردند و ماموران حتی با پارچه‌هایی که زنان به جای چادر بر سر می‌انداختند نیز به شدت برخورد می‌کردند و آنها را پاره می‌کردند.

عقب‌نشینی از زور؛ ادامه مبارزه با حجاب

پهلوی دوم در کتاب «ماموریت برای وطنم» که در سال ۱۳۴۱ نوشته شده است، با وجود تایید رویکرد پهلوی اول، به تلویح از روش رضاخان تبری می‌جوید و می‌گوید: «مسئله کشف حجاب نمونه‌ای از اقدامات اصلاحی پدرم بود و همین که پدرم از ایران خارج شد در اثر پاشیدگی اوضاع در دوران جنگ، بعضی از زنان مجدداً به وضع اول خود برگشتند و از مقررات مربوط به کشف حجاب عدول کردند.»

او سپس به تفاوت رویکرد حکومت جدید اشاره می‌کند و می‌گوید: «ولی من و دولت من از این تخطی چشم‌پوشی کردیم و ترجیح دادیم که این مسئله را به سیر طبیعی خود واگذاریم و برای اجرای آن به اعمال زور متوسل نشویم. امروز در شهرها و قصبات ایران زنان با حجاب دیده می‌شوند ولی روز به روز از عده این زنان می‌کاهد و به تدریج از میان می‌رود.»

این بخش از کتاب شاه، به روشنی نشان دهنده اهداف او در جهت زدودن کامل حجاب از چهره جامعه اسلامی ایران بوده است که البته هیچ‌گاه به واقعیت نینجامید و در جریان انقلاب بهمن ۵۷، زنان چادری در بسیاری از تظاهراتها دیده می‌شدند.

استفاده از سینما و فرهنگ به جای قوای قهریه

اعتراضات مخالفان منع حجاب به جایی رسید که ۱۰ دی ۱۳۲۲، سیاست ممنوعیت حجاب از اولویت‌های حکومت پهلوی خارج شد. با این حال حکومت پهلوی ساکت ننشست و از راه دیگری وارد شد. مقایسه قوانین مرتبط با سانسور در سینماها و موسسات نمایشی نشان می‌دهد که در سال ۱۳۲۱ مواردی از جمله «روابط نامشروع زنان شوهردار»، «زنان لخت» و موارد دیگر منع شده است، اما این نمونه‌ها در آیین‌نامه مصوب در سال ۱۳۴۴ حذف شده و به منع نمایش «جزئیات روابط جنسی منحصر به منظور رضای خواست‌های پست و جلب مشتری» و همچنین «آن قسمت از اندام برهنه زن و مرد، دختر یا پسر که عیان ساختن آن عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کند.» اکتفا شده است.

با این حال همین قوانین هم با جدیت اعمال نمی‌شدند؛ چنان‌که نمایش روابط جنسی و بدن برهنه زنان در فیلم‌های داخلی و خارجی در سینماها سرانجام به جایی رسید که ساواک در گزارشی که در تاریخ ۲۸ آذر ۱۳۵۱ تنظیم شده می‌نویسد: «اخیراً سینماهای تهران فیلم‌هایی که باعث تحریک جوانان به فساد می‌شود بر روی اکران سینما آورده و این موضوع باعث عصبانیت اکثر مردم شده است.»

جشن‌های هنر شیراز؛ تابوشکنی از برهنگی

یکی دیگر از جلوه‌های روشن مبارزه آرام پهلوی دوم با حجاب و دیگر مظاهر اسلام در جامعه، برگزاری جشن‌های هنر شیراز بود. جشن‌هایی که در سال‌های اوج درآمد‌های نفتی برگزار شد و شاه بیش از همیشه احساس قدرت و شکوه می‌کرد. اولین دوره جشن هنر شیراز در سال ۱۳۴۶ برگزار شد. در دوره هفتم این جشن‌های سالانه، بازیگر تئاتر «ملوس‌ها و نسناس‌ها» بر روی سن برهنه شد و تلاشی جدید برای تابوشکنی از برهنگی در جامعه ایرانی کلید خورد.



در ۹ دی ۱۳۵۵، سندی به تصویب دولت و شخص شاه رسید که در آن ضمن «حقیر کننده» خواندن پوشش چادر، در سه بخش اقدامات درازمدت، کوتاهمدت و جنبی، راهکارهایی برای مبارزه با چادر و حجاب اسلامی پیشنهاد شده بود.

ممنوع کردن چادر برای دانش‌آموزان و دانشجویان، ممنوعیت استفاده از چادر برای زنان کارمند، محرومیت زنان چادری کارمند از دسترسی به مقام و موقعیت‌های مختلف، ممنوعیت ورود زنان چادری به وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی، ممنوعیت مسافرت زنان چادری با شرکت هواپیمایی ملی ایران و... بخشی از پیشنهادهای کوتاهمدت این سند است. این سند همچنین تاکید ویژه‌ای بر همکاری وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌ها برای جایگزین کردن مانتو و روسری به جای چادر داشته است.

در همین سال بود که بیشترین تابوشکنی‌ها در جشن هنر شیراز رخ داد که برهنه شدن بازیگری به نام «آشور بانپال بابلا» پشت و پترین یک مغازه و روی صحنه رفتن زنی کاملاً برهنه در نمایش «کشتی جنون» بخشی از این اتفاقات بود.

اگر این نمایش در وینچستر انگلیس بود...

شدت شوک این اقدامات زننده به حدی بود که آنتونی پارسونز، سفیر وقت بریتانیا در ایران، در کتاب خاطرات خود می‌نویسد: «جشن هنر شیراز در سال ۱۹۷۷ از نظر کثرت صحنه‌های اهانت‌آمیز به ارزش‌های اخلاقی ایرانیان، از جشن‌های پیشین فراتر رفته بود.»

پارسونز با بیان اینکه صحنه تجاوز به عنف به طور کامل و نه به طور نمایشی و وانمودسازی در پیاده‌رو خیابان و در برابر چشم همگان اجرا شده است، به گفت‌وگوی خود با محمدرضا پهلوی اشاره می‌کند و می‌گوید: «به او گفتم اگر چنین نمایشی به طور مثال در شهر وینچستر انگلیس هم اجرا می‌شد، کارگردان و هنرپیشگان آن جان سالم به در نمی‌بردند. شاه مدتی خندید و چیزی نگفت.»

محمدرضا شاه گمان می‌کرد تنها با پرهیز از اقدامات وحشیانه پدر و استفاده از قدرت رسانه‌ها و اقدامات ضدفرهنگی می‌تواند به دوران حجاب و مخصوصاً چادر در ایران پایان دهد، اما تاریخ نشان داد که پهلوی دوم همان قدر ناموفق بود که پهلوی اول.

منبع: مهر

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۸۲۰۲-ممنوع-چادر-ورود-دانشگاه>